



نقش راه لاجورد در توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و تأثیر آن بر امنیت و ثبات

افغانستان

جمعه خان همدرد*

چکیده

توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و تأثیر آن بر امنیت و ثبات ملی کشورها از مهم‌ترین موضوعات است که باید در ملاحظات سیاست‌های تجاری، همکاری‌های منطقه‌ای و همگرایی میان دولت‌ها مورد ارزیابی قرارگیرد. از آن‌جایی که همگرایی تجاری و ملاحظات امنیت و ثبات ملی می‌تواند هم‌دیگر را تقویت یا تضعیف کند، راه لاجورد را نیز می‌توان در این چارچوب به بررسی گرفت؛ زیرا تأمین منافع ملی و دسترسی به ثبات و امنیت از مهم‌ترین معیار کشورها در تمام اقدامات آن‌ها در زمینه‌های گوناگون به‌خصوص توسعه همکاری‌های منطقه‌ای است. هدف این مقاله شناسایی فرصت‌ها و ظرفیت‌ها جهت همکاری‌های منطقه‌ای از طریق راه لاجورد و تأثیر آن بر امنیت و ثبات افغانستان است. پرسش اصلی مقاله این است که راه لاجورد و همکاری‌های منطقه‌ای چه تأثیری بر امنیت و ثبات افغانستان دارد؟ روش تحقیق در این مقاله مبتنی بر جمع‌آوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای است که با رویکرد توصیفی-تحلیلی مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که گسترش بازرگانی از طریق راه لاجورد که در راستای همکاری‌های منطقه‌ای انجام می‌شود باعث جلوگیری از یک‌جانبه‌گرایی، تبدیل شدن افغانستان به نقطه وصل مشترک، توسعه اقتصادی افغانستان و افزایش رفاه اجتماعی می‌گردد که در نهایت تضمین‌کننده ثبات و امنیت افغانستان می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: راه لاجورد، تجارت بین‌الملل، همکاری‌های منطقه‌ای، امنیت و ثبات افغانستان

* استاد تاریخ در پوهنتون غزنی.

مقدمه

رابطه میان امنیت، ثبات و تجارت بین‌الملل دارای ریشه‌های عمیق تاریخی است که می‌توان آن ارتباط را در نظریه‌های دین مبین اسلام و نیز در اندیشه سوداگرایی اروپای بعد از رنسانس، ملاحظه کرد. پیامبر بزرگوار اسلام می‌فرماید: «آنان که به بازار ما چیزی وارد می‌کنند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند»^۱. (پاینده، بی‌تا، ۴۳۲). سوداگرایان نیز تجارت را ابزار رسیدن به صلح و امنیت و کسب قدرت می‌دانستند و باور داشتند که تجارت و بازرگانی تقویت‌کننده صلح اجتماعی است (مولر، ۲۰۰۲، ۷۱-۷۲). در دوران معاصر، پیچیدگی روابط در محیط داخلی و بین‌المللی، موجب درهم‌تنیدگی هرچه بیشتر تجارت بین‌الملل با منافع ملی، امنیت و ثبات کشوری برای تمام دولت‌ها گردیده و این واقعیت هر روز نمود آشکارتر پیدا می‌کند. اگر در گذشته کشورها سعی داشتند که ملاحظات ثبات و امنیت داخلی خویش را با محدودیت‌های تجاری و سیاست درهای بسته اقتصادی توجیه کنند، امروزه تلاش دارند با استفاده از درهای باز اقتصادی ثبات، امنیت، توسعه و رفاه را در قالب انواع همگرایی و همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی در ذیل امضای موافقت‌نامه‌ها بازتعریف کنند.

با بیان مطالب فوق، آنچه این مقاله به‌عنوان مسئله اصلی دنبال می‌کند، شناسایی زمینه‌های رسیدن به ثبات و تقویت امنیت افغانستان با بهره‌گیری از توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه آسیای میانه از طریق راه لاجورد است. زیرا منطقه آسیای میانه با درنظرداشت بسیاری از ویژگی‌های مشترک از واگرایی منطقه‌ای رنج می‌برند. کشور افغانستان و پروژه راه لاجورد ظرفیت ایجاد زمینه‌های همکاری‌های منطقه‌ای در آسیای میانه را دارد و ضروری است که از این ظرفیت برای ثبات و امنیت خود سود ببرد. هرچند کشورهای آسیای میانه پس از اتحاد جماهیر شوروی چندین بار تلاش کرده‌اند تا ترتیبات

۱. الجالبُ إلى سوقنا كالمجاهدِ في سبيل الله.

نهادی برای همکاری‌های منطقه‌ای ایجاد کنند اما همواره با چالش‌هایی مواجه بوده‌اند. یکی از چالش‌های اساسی نقش و دخالت بازیگران بین‌المللی در منطقه آسیای میانه بوده است که امنیت و ثبات منطقه را مخدوش کرده‌اند. به صورت مشخص تهاجم نظامی امریکا بر افغانستان و رقابت آن را با روسیه، کل منطقه آسیای میانه را دچار آسیب‌پذیری ساخته بود که با شکست امریکا در افغانستان، فرصت جدید منطقه‌گرایی درون‌زا فراهم شده است و بازیگران محلی خود می‌توانند به صورت مستقل فرایندهای سیاسی-اقتصادی را مدیریت کنند. سئوالی که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که راه لاجورد چه نقشی بر همکاری‌های منطقه‌ای و همکاری‌های منطقه‌ای چه نقشی بر امنیت و ثبات افغانستان خواهد داشت؟

ضرورت تدوین مقاله حاضر این است که راه لاجورد را به عنوان بستر جدیدی برای همکاری منطقه‌ای در آسیای میانه معرفی می‌دارد و در تلاش است که برآیند آن را در خدمت ثبات و امنیت افغانستان قرار دهد تا از این طریق توجه کارگزاران سیاسی و اقتصادی را بیشتر از پیش به این پروژه جلب گرداند. این مقاله با شناسایی افغانستان به عنوان بازیگر جدید در منطقه آسیای میانه بیان می‌دارد که فصل جدیدی از همکاری‌های منطقه‌ای در آسیای میانه با محوریت افغانستان شکل خواهد گرفت. راه لاجورد که دال مرکزی این نوشتار را تشکیل می‌دهد با جغرافیای افغانستان معنا پیدا می‌کند که به نحوی مالکیت معنوی این پروژه قلمداد می‌گردد؛ مالکیتی که از اهمیت و اعتبار زیادی برخوردار است.

داده‌های این مقاله به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و با رویکرد توصیفی-تحلیلی مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته است. پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که راه لاجورد به عنوان مسیر تجاری جدید مورد توجه بسیاری از نویسندگان و تحلیل‌گران قرار گرفته است که بیشتر با نوشته‌ها و تحلیل‌ها بر جنبه اقتصادی آن در رسانه‌ها پرداخته‌اند. اما به صورت مشخص ذیل عنوانی که این مقاله طراحی شده است، پژوهشی نظام‌مند صورت

نگرفته است. به همین دلیل است که لزوم جدی بر نوشتار این مقاله احساس می‌شود تا خلأی موجود حدالامکان پرگردد.

این مقاله شامل سه بخش است. بخش نخست آن را چارچوب نظری احتوا می‌کند. در این بخش ضمن معرفی اجمالی نظریه‌های سنتی در حوزه منطقه‌گرایی، نظریه «منطقه-گرایی نوین» به‌عنوان الگوی مورد نظر برای این پژوهش ترسیم شده است که از لحاظ کارگزاری، انگیزه، جهت و گستره با نظریات دیگر متفاوت است. بخش دوم این مقاله در برگزیده نقش راه لاجورد بر توسعه همکاری‌های منطقه‌ای است که منجر به تقویت روابط دیپلوماتیک، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و اتصال افغانستان به بازارهای جهانی خواهد شد. بخش سوم این مقاله تأثیرات راه لاجورد و همکاری‌های منطقه‌ای بر امنیت و ثبات افغانستان را شامل می‌شود. در این بخش نشان داده خواهد شد که یافته‌های پژوهش همه در خدمت ثبات و امنیت افغانستان قرار می‌گیرند.

۱. چارچوب نظری

منطقه بیان‌گر مجاورت جغرافیایی و حداقلی از روابط متقابل ژئوپلیتیکی و گاهی میزانی از وابستگی دو یا چند کشور یا شمار محدودی از دولت‌های همجوار است که به همکاری و تعامل سازمان‌یافته در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی برای حرکت به سوی همگرایی مبادرت می‌ورزند (حسنوند و اسفندیاری، ۱۳۹۸: ۴۲). امروزه مناطق زیادی از جهت‌های مختلف مفهوم‌سازی شده‌اند و برای سازه و تشکل آن منطقه‌گرایی را در ذیل همکاری منطقه‌ای ترویج کرده‌اند. همکاری منطقه‌ای به همکاری‌های مشترک و تعاملات میان کشورهای یک منطقه خاص اطلاق می‌شود که هدف آن تقویت روابط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی یا سیاسی بین آن‌ها است. همکاری منطقه‌ای می‌تواند در قالب‌های مختلفی مانند توافقات تجاری، همکاری‌های امنیتی، پروژه‌های زیست‌محیطی مشترک و یا اشتراک اطلاعات و تجربیات در زمینه‌های مختلف شکل بگیرد.

یکی از اشکال مهم همکاری‌های منطقه‌ای، همکاری اقتصادی و تجاری است که با هدف اصلی تسهیل در تجارت و سرمایه‌گذاری، کاهش موانع تجاری و بهبود شرایط اقتصادی راه‌اندازی می‌گردد. امری که می‌تواند بر مسائل دیگری همچون امنیت و ثبات کشورها نیز تأثیر بگذارد. مفهوم «مجموعه امنیت منطقه‌ای» از همین امر ناشی می‌گردد که می‌توان آن را درک و نگرانی امنیتی در سطح منطقه تحلیل کرد که از پیوستگی محکمی برخوردار است و جدا از یکدیگر قابل حل نیست (بهبودی‌نژاد، ۱۴۰۰: ۴۷). به صورت عمده اهداف همکاری‌های منطقه‌ای بر تقویت منافع مشترک، ارتقاء همبستگی و انسجام، ایجاد فرصت‌های اقتصادی و حل مسائل و چالش‌های مشترک استوار است که بر مبنای آن کشورهای یک منطقه تلاش می‌کنند تا با تقویت روابط و ایجاد همکاری‌های مشترک در زمینه‌های مختلف، به رشد و توسعه پایدار دست یابند.

در مفهوم وسیع‌تر، «همکاری منطقه‌ای» همان «همگرایی منطقه‌ای» است که در چارچوب آن همه کشورها در استفاده از زور اجتناب می‌ورزند و به صورت آگاهانه در پی مشارکت هستند (لینکلتر، ۱۳۸۷: ۱۳۴). با این تفاوت که در همکاری منطقه‌ای تلاش می‌گردد مطالبی دربارهٔ فعالیت‌های مهم کنشگران بدست آید، اما همگرایی منطقه‌ای به حاصل‌ها و نتایج این فعالیت‌ها براساس یک رفتار «جدید» توجه دارد تا حتی المقدور بتواند آن را برای مقاصد دیگری نیز بکاربرد. لذا همکاری منطقه‌ای به عنوان بخشی از همگرایی منطقه‌ای شناخته می‌شود و بیشتر به فعالیت‌های بین‌دولتی پایین‌تر از سطح جهان اشاره دارد که برای برآورده شدن نیازهای مشترک طراحی می‌گردد (لینکلتر، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

مطالعات منطقه‌ای یکی از زیرشاخه‌های رشته روابط بین‌الملل است که پس از جنگ جهانی دوم و تکوین و تشدید فرایند منطقه‌گرایی در اروپا و سپس در سایر مناطق جهان تأسیس شد و توسعه یافت. با تأسیس این رشته، نظریه‌هایی نیز درخصوص منطقه‌گرایی شکل گرفت که براساس پارادایم‌های رایج آن‌روز در روابط بین‌الملل به پنج دسته تقسیم

می‌شوند: لیبرالیسم، واقع‌گرایی، مارکسیسم، سازه‌انگاری و بازانديش‌گرایی (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۷۹). هریک از این نظریه‌ها بر پایه اصول و مفروضه‌های پارادایمی خود در روابط بین‌الملل به تبیین و توضیح فرایند منطقه‌گرایی و همگرایی منطقه‌ای می‌پردازند.

تحول در ماهیت نظام بین‌الملل در سه دهه گذشته، نظریه‌های «منطقه‌گرایی» را نیز متحول نمود. یکی از نظریه‌های نوظهور در مطالعات منطقه‌ای، «منطقه‌گرایی نوین» است که بر خلاف نظریه‌های قدیم، چندبُعدی بوده و به راحتی می‌تواند متغیرهای چندگانه را پوشش دهد. منطقه‌گرایی نوین در چهار بُعد کارگزاری، انگیزه، جهت و گستره از منطقه‌گرایی‌های قدیم متفاوت و متمایز است. از نظر کارگزاری و نقش کارگزاران، برخلاف منطقه‌گرایی قدیم که بر نقش دولت‌ها در ساختارها و سازه‌های منطقه‌ای تأکید می‌کند، منطقه‌گرایی نوین ناشی از نقش آفرینی طیف وسیعی از بازیگران دولتی، فردی و اجتماعی در درون و بیرون منطقه است. به لحاظ انگیزه و هدف نیز منطقه‌گرایی نوین یک متغیره و تک‌بعدی نیست. منطقه‌گرایی نوین یک نوع همگرایی منطقه‌ای چندبُعدی و چندوجهی است که شامل ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود و هدفی بسیار فراتر از ایجاد رژیم‌های تجارت آزاد دارد. جهت و خط سیر منطقه‌گرایی نوین نیز از منطقه‌گرایی قدیم متفاوت است. منطقه‌گرایی نوین برخلاف منطقه‌گرایی قدیم از بالا به وسیله ابرقدرت‌ها تحمیل نمی‌شود و از ضرورت‌های تغییرناپذیر و جبری ساختاری پیروی نمی‌کند. گستره و قلمرو منطقه‌گرایی نوین نیز گسترش یافته است، به طوری که منطقه‌گرایی نوین فراتر از همگرایی اروپا رفته و به صورت یک پدیده عمومی و جهانشمول درآمده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۸۲-۸۳).

این مقاله تحت عنوان «نقش راه لاجورد بر توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و تأثیر آن بر امنیت و ثبات افغانستان» به لحاظ چارچوب نظری از نظریه «منطقه‌گرایی نوین» پیروی می‌کند. از نظر کارگزاری، آن چه در این مقاله بر آن تأکید شده است، فعالیت‌های مشترک

سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. فعالیت‌های که کارگزاران آن در حوزه سیاست دولت-های منطقه، در حوزه اقتصاد تاجران فراملی و در حوزه فرهنگ مردمان منطقه در مسیر راه لاجورد اند. از نظر انگیزه و هدف نیز این مقاله از یک متغیر پیروی نمی‌کند، بلکه سه‌گانه (راه لاجورد، همکاری منطقه‌ای و امنیت و ثبات افغانستان) را در کنار هم چیده و نقش و تاثیر یکی بر دیگری را دنبال می‌کند که هدف غایی آن «امنیت و ثبات افغانستان» است. امری که فراتر از تجارت آزاد برای مردم افغانستان اهمیت دارد. جهت و خط سیر که این مقاله دنبال می‌کند نیز بومی بوده، به دولت و مردم افغانستان متکی است و هیچ چشم‌داشتی از قدرت‌های بیگانه ندارد. در اخیر گستره و قلمرو که این مقاله از آدرس راه لاجورد دنبال می‌کند نیز فراتر از همکاری منطقه‌ای است و افغانستان را از طریق راه لاجورد به قاره اروپا وصل می‌گرداند.

۲. راه لاجورد و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای

یکی از ویژگی‌های مهم روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم رشد و توسعه همکاری و همگرایی در چارچوب منطقه‌ای شدن بوده است. فرآیند منطقه‌ای شدن پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی تقویت و تشدید شده است، به طوری که این نوع روابط درون منطقه‌ای، در اثر شدت یافتن روند جهانی شدن، فراتر از مناطق توسعه‌یافته در مناطق در حال توسعه نیز به صورت یک الگوی تعامل متعارف در آمده است (موسوی، ۱۳۹۷). افغانستان با موقعیتی که دارد بدون تردید شکل یک دهلیز ترانزیتی / تجارتي و چهارراه را دارا می‌باشد که حتی از آن به عنوان پل آسیا نام برده می‌شود. این کشور با موقعیت خاص استراتژیکی که دارد در طول قرون متمادی محل عبور کالاهای تجاری بوده و به عنوان پلی بین شرق و غرب و شمال و جنوب عمل نموده است. راه لاجورد یکی از این مسیرهای تاریخی به شمار می‌رود که از تاریخ پر باری برخوردار است. در حال حاضر راه لاجورد از مسیر ترکمنستان، آذربایجان و گرجستان به دریای سیاه و بعد با گذشتن از ترکیه، افغانستان را به آب‌های آزاد وصل می‌کند. مردم افغانستان

معتقدند که این بزرگراه، جاده‌ای تاریخی است که حدود دو هزار سال قبل لاجورد بدخشان در شمال شرق افغانستان، از این مسیر به کشورهای آسیای میانه و اروپا صادر می‌شد و دلیل انتخاب نام «راه لاجورد» نیز همین امر است. راه لاجورد یکی از طرح‌های مهم افغانستان برای پیوند دادن این کشور به اقتصاد جهانی است. موافقتنامه راه لاجورد در حاشیه هفتمین اجلاس رکا^۱ به تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۱۷ در شهر عشق‌آباد میان کشورهای افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان و ترکیه انعقاد یافت. این موافقتنامه زمینه تقویت همکاری اقتصادی و تسهیل تجارت، ترانزیت، ترانسپورت و مسایل گمرکی را با استفاده از فناوری‌های پیش‌رفته میان کشورهای عضو فراهم می‌کند. قابل ذکر است که این موافقتنامه منحصر به انتقال کالاهای تجارتي نیست؛ بلکه زمینه انتقال مسافران و وسایط نقلیه را نیز پیش‌بینی کرده است (رسولی، ۱۴۰۰). راه لاجورد از بندرهای آقینه (ولایت فاریاب) و تورغندی (ولایت هرات) شروع می‌شود و از طریق بندر ترکمن‌باشی ترکمنستان و با گذشتن از بحیره خزر به باکو، پایتخت آذربایجان می‌رسد. سپس این راه به سمت تفلیس، پایتخت گرجستان ادامه می‌یابد و از بندرهای پوتی و باتومی در بحیره سیاه و یا با عبور از شهر قارص به بندرهای استانبول کشور ترکیه و در نهایت به آب‌های آزاد و اروپا منتهی می‌شود (شفایی، ۱۳۹۳) کتاب «جاده ابریشم؛ گذشته، حال و آینده» نیز این مسیر را کوتاه‌ترین راه کشورهای منطقه آسیای میانه که افغانستان نیز به‌نحوی جزء این سیستم منطقه‌ای محسوب می‌گردد، به آب‌های آزاد معرفی می‌کند: «کوتاه‌ترین طریق اتصال جمهوری‌های آسیای میانه به بنادر دریایی برای ورود به اقیانوس ابتدا به‌وسیله راه آهن از طریق ترکمنستان به بندر ترکمن‌باشی در دریای خزر، سپس به‌وسیله حمل راه آهن با کشتی به بندر باکو در آذربایجان، سپس به‌وسیله راه آهن به بنادر باتومی یا سوخومی گرجستان در دریای سیاه می‌باشد. هم‌چنان مسیرهای دیگری نیز وجود دارد

^۱ کنفرانس همکاری‌های اقتصادی برای افغانستان:

که این کشورها را به ترکیه و اروپا وصل بسازد که منجر به کاهش هزینه و بهبود کارآیی حمل‌ونقل گردیده، گام امیدوارکننده به سوی آینده بهتر خواهد بود» (برنامه توسعه و سازمان ملل متحد و کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد، ۱۳۷۵، ۵۰-۶۱).

باتوجه به موجودیت زیرساخت‌ها، خطوط آهن، جاده‌های معیاری و موجودیت بندرها در این مسیر، راه لاجورد به‌عنوان یکی از مناسب‌ترین راه‌های تجارتي و ترانزیتی میان افغانستان و کشورهای آسیای میانه، قفقاز، بالکان و اروپای مرکزی به‌شمار می‌رود. بنابراین، بهره‌برداری از این راه نه تنها افغانستان را در راستای دسترسی به مسیرهای ترانزیتی مختلف و بندرهای بحری کمک خواهد کرد، بلکه زمینه افزایش صادرات کالاهای افغانستان را به بازارهای این مسیر و بازارهای اروپایی فراهم می‌کند. به‌علاوه، دسترسی به این مسیر وابستگی کشور را به مسیرهایی که متأثر از عوامل سیاسی است، کاهش خواهد داد. به همین ترتیب، گسترش راه لاجورد از طریق افغانستان به جنوب آسیا نیز اهمیت استراتژیک دارد. بندر تورغندی نزدیک‌ترین مسیر برای وصل کردن پاکستان با راه لاجورد محسوب می‌شود. دستیابی پاکستان به بازارهای آسیای میانه و مسیر راه لاجورد و متقابلاً دسترسی افغانستان به بندرهای پاکستان در توسعه تجارت و ترانزیت منطقه‌ای میان شمال و جنوب کمک خواهد کرد. هم‌چنین هند نیز می‌تواند از طریق بندر تورغندی و چابهار به شبکه راه لاجورد بیوندد. از این رو، راه لاجورد می‌تواند یکی از مهم‌ترین ابتکارات رشد اقتصادی در منطقه بر محوریت افغانستان باشد که در راستای همکاری‌های منطقه‌ای نقش اساسی دارد. کریدور مذکور به‌منظور همکاری‌های ترانزیتی و تجاری به هدف کاهش موانع تجارت ترانزیتی و توسعه پروسه و روند گمرکی، برای همگرایی منطقه‌ای از اصلی‌ترین پروژه‌ها شناخته می‌شود.

راه لاجورد برای افغانستان ضمن این که اهدافی چون اتصال به بازارهای جهانی، تقویت روابط دیپلماتیک، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش هزینه‌های حمل و نقل، تقویت تجارت و صادرات، کاهش وابستگی به مسیرهای محدود و افزایش درآمد

ملی را دنبال می‌کند، ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای را نیز محقق می‌کند. زیرا پروژه راه لاجورد زمینه‌ساز همکاری‌های اقتصادی و سیاسی با کشورهای آسیای میانه، قفقاز و اروپا خواهد شد. این همکاری‌ها می‌تواند به ایجاد ثبات و کاهش تنش‌های منطقه‌ای کمک کند (ح.ن، ۱۴۰۳) و منطقه‌گرایی و همکاری منطقه‌ای را در آسیای میانه تقویت بخشد.

کشورهای آسیای میانه به سه دلیل عمده در تقویت راه لاجورد با افغانستان همگام خواهد بود: در نخست این‌که این کشورها نیازمند به ایجاد روابط سیاسی و اقتصادی فراملی هستند و در این راستا تلاش می‌کنند همکاری‌های منطقه‌ای را تقویت بخشند. زیرا همکاری‌های منطقه‌ای و منطقه‌گرایی به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر در توسعه و تقویت استقلال اقتصادی دولت‌های آسیای میانه مشاهده می‌شود. نیاز به منطقه‌گرایی و همکاری‌های منطقه‌ای با درک این مسئله تقویت می‌شود که منطقه با تجمع منابع و تلاش‌های مشترک در پی رفع مشکلات مشترک هستند (بهبودی نژاد، ۱۴۰۰: ۶۲). راه لاجورد از مهم‌ترین تلاش‌های مشترک فراملی برای کشورهای آسیای میانه می‌باشد که می‌تواند ضمن تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، در رفع مشکلات اقتصادی آن‌ها کمک کند. دوم، از آن‌جا که اقتصاد کشورهای آسیای میانه به سیستم‌های جداگانه تقسیم شده‌اند، چشم‌انداز واقعی برای سرمایه‌گذاری بزرگ بین‌المللی ارائه نمی‌دهند. تنها یکپارچگی فضای اقتصادی قابل توجه‌تر می‌تواند در رفع این چالش سازگار واقع شود (بهبودی نژاد، ۱۴۰۰: ۶۳). راه لاجورد تا حد زیادی می‌تواند سیستم‌های جداگانه اقتصادی کشورهای آسیای میانه را به همدیگر نزدیک نماید و همکاری‌های منطقه‌ای را تسریع بخشد. سوم، از آن‌جا که کشورهای آسیای میانه اساساً صادرکننده مواد اولیه و انرژی هستند و کالاهایی که ارائه می‌دهند بیشتر به بازارهای جهانی بستگی دارد، راه لاجورد در ادغام محصولات یاد شده به بازارهای جهانی کمک می‌کند و با نقش آفرینی در همسویی منافع ملی و فراملی، در جهت بهبود، تسریع و تقویت همکاری منطقه‌ای

نقش مهم ایفا می‌کند.

۳. تأثیر راه لاجورد و همکاری‌های منطقه‌ای بر امنیت و ثبات افغانستان

افغانستان به دلیل موقعیت استراتژیکی، راه ارتباطی بین شبه‌قاره هند، آسیای میانه و خلیج فارس شناخته می‌شود. این موقعیت برای افغانستان دارای اهمیت جیوپولیتیکی، اقتصادی و سیاسی بوده که از مزیت طبیعی برای تسهیل تجارت و انتقال انرژی از آسیای میانه که دارای ذخایر سرشار انرژی است به آسیای جنوبی که با کمبود انرژی مواجه بوده و ضرورت به یک دهلیز ترانسپورتی دارد، برخوردار است و می‌تواند از این موقعیت در راستای بهبود ثبات و امنیت خود بهره‌بردار.

موقعیت جغرافیای افغانستان همیشه ثبات سیاسی و امنیت این کشور را با مشکل مواجه ساخته اما تبدیل این تهدید به فرصت، امکان رشد و شکوفایی اقتصادی و ثبات سیاسی را در آینده برای آن فراهم خواهد ساخت. افغانستان پس از تحولات سیاسی سال ۱۴۰۰ در پی آن بوده است که با اتخاذ سیاست درهای باز اقتصادی و تبدیل کردن افغانستان به نقطه وصل کشورهای منطقه، این سرزمین را به جغرافیای دوستی و همگرایی کشورها مبدل سازد و همکاری منطقه‌ای را تقویت بخشد (Isar, 2025: 11). راه لاجورد از جمله اقدامات اقتصادی و تجاری است که به منظور ارتباطات وسیع بازرگانی و ایجاد منافع مشترک بین کشورها ذینفع، می‌تواند صلح، ثبات و امنیت را در افغانستان تقویت کند. آقای شاهین استاد اقتصاد سیاسی معتقد است تجارت نه تنها رواج‌دهنده رونق است، بلکه صلح بین‌المللی را هم ترویج می‌کند. این استدلال را، استدلال «صلح سرمایه‌داری» می‌خوانند. مطابق این استدلال، تجارت دست‌کم از دو طریق به صلح‌سازی کمک می‌کند. اول آن‌که به لطف تجارت آزاد، کشورها مستقل می‌شوند. دوم این‌که تجارت سهام مشترک مادی میان دو کشور ایجاد می‌کند و به این ترتیب انگیزه‌ای می‌شود برای پرهیز از جنگ. گزاره فردریک باستای در مورد رابطه میان تجارت و صلح این مهم را به صورت اجمالی بیان می‌کند: «اگر این کالاها نباشند که از مرزها می‌گذرند، سربازان

چنین خواهند کرد»، این را می‌توان به‌طور خلاصه «صلح به‌واسطه تجارت آزاد» خواند (شاهین). از آن‌جا که امنیت، ارزش و موقعیت است که کشورها به میزان کمتر یا بیشتر از آن برخوردار اند (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۴)، تضمین ایمنی برای کاهش احتمال بروز نزاع، برقراری مذاکره بجای محاربه و قصد حفاظت از صلح به‌عنوان شرط طبیعی بین دولت‌ها برای مصئونیت حقوق و آزادی‌های مشروع (بخشی، ۱۳۷۵: ۳۵۲) از اساسی‌ترین اقدامات دولت‌ها به‌شمار می‌رود. با توجه به این اصل، با تجارت و همکاری منطقه‌ای است که افغانستان به تدریج به آرزوی دیرینه خود دست خواهد یافت که همانا به رسمیت شناخته شدن اهمیت این کشور به‌عنوان یک گذرگاه بین‌المللی است. اهمیت ترانزیتی افغانستان به این کشور فرصت مهم و کلیدی می‌دهد تا با اتخاذ روی دست-گیری طرح‌های کلان اقتصادی و ترانزیتی در سطح کشورهای منطقه، تحولات مثبت توسعه‌ای و خلق انگیزه ثبات و امنیت را ایجاد نماید.

بسیار مهم است که افغانستان حلقه ترانزیت منطقه را کامل و نقش طبیعی و تاریخی خود را احیا کند. تحقق این امر همان‌گونه که برای امنیت و ثبات خود این کشور مهم است، برای همه کشورهای منطقه و جهان نیز نتایج مثبت و سازنده در پی خواهد داشت. زیرا اگر با نگاه فراملی به موضوع امنیت دیده شود، همگرایی بین‌المللی و همکاری جهانی در مرکز ثقل مفهوم امنیت می‌گنجد (مشتاق، ۱۳۹۷: ۳۱۲-۳۱۸) و هر دو مورد می‌توانند همدیگر را تقویت یا تضعیف نمایند.

بدون تردید، امنیت و پیشرفت در منطقه درگرو امنیت و پیشرفت در افغانستان است و نباید افغانستان بیش از این هزینه جنگ را در منطقه بپردازد. باید گفتمان جنگ در افغانستان از سوی کشورهای همسایه و منطقه به گفتگوی ذینفع اقتصادی بین کشورهای منطقه و همکاری و مسئولیت‌پذیری‌های ترانزیتی، بین همسایگان مبدل گردد و دولت‌ها به یکی از وظایف اصلی خویش که انجام مجموعه اقدامات باهدف شناسایی و پشتیبانی از ساختارهایی که بتواند موجبات تقویت و تحکیم صلح و ثبات و جلوگیری از شروع

مجدد جنگ را فراهم آورد (علی بابایی، ۱۳۸۳: ۸۱)، عمل کنند. زمینه فکری برداشت فراملی از امنیت، ثبات و صلح همگانی به فیلسوف سرشناس آلمانی، ایمانوئل کانت برمی‌گردد. برداشتی که مبنای تعریف جدید از امنیت و ثبات که همانا همکاری و همگرایی جهانی هست را نیز در بر می‌گیرد. این برداشت بر نگاه خوش‌بینانه به انسان و جامعه و ضرورت همکاری میان دولت‌ها و ملت‌ها متکی می‌باشد. از نظر سیاسی آنچه برای کانت اهمیت دارد، ایجاد تعادل سیاسی بین کشورها است که به آن «صلح پایدار» می‌گوید. او باور دارد که اقدام برای صلح پایدار با حضور و دخالت مردم امکان‌پذیر است و توصیه می‌دارد که دولت‌ها می‌بایستی از طریق تبلیغات، رمز و راز تجارت را به مردم پیامزد و با این روش اخلاق صلح‌جویانه را منحنی فضیلت که خواست مردم است برای آنان پیشکش دارد. این دانشمند برای جلوگیری از بروز جنگ، گسترش تجارت را الزامی میدانند (فروغی، ۱۳۹۵: ۳۶۲). کانت باور دارد: روحیه تجاری دیر یا زود در همه‌جا مسلط خواهد شد. روحیه‌ای که با جنگ ناسازگار است. هر قدر که زمینه رشد تجارت فراهم شود، دیو جنگ ناپدید خواهد شد؛ بنابراین گسترش تجارت باعث استقرار صلح و ثبات و برقراری صلح دائم ضامن رشد سرمایه‌داری خواهد بود (بیگدلی، ۱۳۷۶: ۲۱۶).

دوراندیشی و موفقیت در ایجاد حلقه همدلی منطقه‌ای از طریق روابط تجاری بین کشورها که راه لاجورد یکی از نشانه‌های مهم این اقدام است، برگ زرین و افتخارآمیزی در تاریخ روابط خارجی افغانستان به میان خواهد آورد و روابط همه‌گیر و همه‌جانبه در همه ابعاد را در پی خواهد داشت. بررسی اهداف بزرگراه تجاری لاجورد و موافقتنامه چندجانبه در بستر این مسیر بین‌المللی، مؤید اهمیت جنبه‌های اقتصادی و سیاسی در خصوص امنیت و ثبات کشور است که می‌توان به ارتقای سطح زندگی و درآمد، تضمین اشتغال، گسترش تولید و تجارت، ایجاد امکان استفاده بهینه از منابع، افزایش درآمدهای واقعی و تضمین رشد پایدار اشاره کرد. تجارت بین‌الملل از طریق راه لاجورد می‌تواند متضمن آثار مثبت بر امنیت و ثبات افغانستان باشد که در ذیل به آن اشاره می‌گردد:

۳-۱. جلوگیری از یکجانبه‌گرایی

یکی از مهم‌ترین کارکردهای سازوکار حل‌وفصل اختلافات در ترتیبات تجاری از جمله در سازمان تجارت جهانی، جلوگیری از توسل به یکجانبه‌گرایی در اقدام‌های تجاری است. بر این اساس، دولت‌ها برای رفع اختلافات‌شان به روش‌های چندجانبه روی می‌آورند که این خود علاوه بر تأمین امنیت بین‌الملل، با افزایش تفاهم میان کشورها به این مهم نیز کمک می‌کند (موسوی زنوز، ۱۳۸۳: ۳۲-۳۳). عدم دسترسی افغانستان به آب‌های آزاد برای این کشور اهمیت حیاتی دارد. این امر باعث شده است که افغانستان در رقابت‌های سیاسی منطقه‌ای همواره در مقابل دو کشور همسایه ایران و پاکستان که مسیر افغانستان به آب‌های آزاد است، کوتاه بیاید. سایه سیاست بر سر راه‌های منتهی به آب‌های آزاد همواره این مسیرها را برای افغانستان به جاده یخ‌بندان و صعب‌العبور تبدیل کرده است. افغانستان از گذشته‌های دور تا اکنون از این لحاظ آسیب‌پذیر بوده است. به‌طورمثال، در سال ۱۹۴۱ میلادی وقتی پاکستان مرزهایش را بر افغانستان بست، باعث مشکلات زیادی در این کشور شد و بحران اقتصادی را در پی داشت که اتحاد جماهیر شوروی به داد کابل رسید و کمک‌هایش را به افغانستان از طریق خطوط هوایی میان دو کشور به کابل رساند (شفایی، ۱۳۹۳). در کنار مسیر پاکستان، مرز آبی بندرعباس ایران نیز یکی از مسیرهایی است که افغانستان را به آب‌های آزاد وصل می‌کند، اما این مسیر اقتصادی نیست و بندر چابهار ایران نیز که در مهر و موم‌های اخیر به‌منظور راه‌یابی افغانستان به آب‌های آزاد با کمک هند و ایران راه‌اندازی شده، هنوز امکانات لازم را ندارد و به نظر کارشناسان برای تبدیل شدن به یک بندر بین‌المللی راه طولانی را در پیش دارد. بنابراین، راه لاجورد می‌تواند همه این خلاءها را به‌خوبی پر نماید و افغانستان را از حلقه تنگ تجارت از آدرس همسایگان به‌ویژه پاکستان و ایران بیرون سازد. آنچه خود باعث می‌گردد تا بعد از این، کشورهای همسایه (پاکستان و ایران)، تجارت با افغانستان را به ابزاری برای فشار سیاسی و اهرم قدرت بر مسئله امنیت و ثبات کشور، استفاده نکنند.

۳-۲. تبدیل شدن افغانستان به نقطه وصل مشترک

توجه به تاریخ نزدیک به نیم سدهٔ پسین در افغانستان، نشان‌گر این واقعیت است که اختلاف نظرهای سیاسی همسایگان همواره منجر به تیرگی روابط با افغانستان گردیده و تنش‌های را نیز در قبال داشته است. تاریخی که افغانستان را به فصل جدایی و منقسم کننده بین همسایگان، کشورهای منطقه و جهان مبدل ساخته بود اکنون دارد به فصل مشترک و نقطه وصل کشورها تبدیل می‌گردد. باور بر این است که اگر درگذشته، نظام اقتصادی افغانستان از پویایی لازم برخوردار می‌بود، می‌توانست از بروز کشمکش‌ها یا حداقل از گسترش غیرقابل‌تصور آن جلوگیری کند. در دوران حاضر، تجربه کشورها مؤید این حقیقت است که روابط نزدیک اقتصادی، به‌خوبی می‌تواند مانع برخوردهای سیاسی و نظامی گردد. تعاملات اقتصادی نقش پررنگ و تأثیرگذاری در ثبات و امنیت جهانی دارد. نظام افغانستان پس از تحول سیاسی سال ۱۴۰۰ تعهد خود را برای شریک ساختن مزایای موقعیت مرکزی افغانستان با کشورهای همسایه و منطقه در راستای رشد و توسعه‌ی اقتصادی منطقه اعلام کرده است. نتیجه‌ی تلاش‌های افغانستان و همکاران منطقه‌ای به ویژه در چند سال اخیر را می‌توان به‌خوبی در عمل شاهد بود. راه لاجورد نیز شبیه به پروژه‌های کلان منطقه‌ای مانند تاپی، توتاپ، کاسا ۱۰۰۰ و تاپ که افغانستان در محوریت آن قرار دارد باعث تعاملات اقتصادی در سطح منطقه گردیده و افغانستان را به نقطه وصل مشترک در منطقه تبدیل خواهد کرد.

۳-۳. توسعه اجتماعی و اقتصادی

اگر یکی از برایندهای مهم راه لاجورد را توسعه اقتصادی در نظر بگیریم، توسعه اقتصادی باعث توسعه اجتماعی می‌گردد و این امر به‌خودی‌خود منجر به ثبات و امنیت خواهد شد. زیرا توسعه اقتصادی و اجتماعی پیوند اساسی و نزدیکی با بسیاری از مفاهیم اجتماعی چون امنیت و ثبات دارد که بدون توجه به هر یکی نمی‌توان بر دیگری دست یافت. طوری که معلوم است، ثبات، امنیت و توسعه بدون همدیگر معنای درستی

نمی‌توانند داشته باشند. پس لازم است برای دسترسی به امنیت و ثبات در کشور به توسعه اقتصادی و اجتماعی از آدرس مراودات جهانی توجه ویژه مبذول داریم؛ زیرا توسعه، ثبات و امنیت منجر به عدالت اجتماعی می‌گردد. چیزی که می‌تواند بسیاری از بحران‌ها را حل سازد. آنچه دستیابی به آن بدون تعاون و همکاری در سطح ملی و فراملی امکان‌پذیر نیست. لذا راه لاجورد را باید در زمره همکاری فراملی محسوب نموده و برابری آن را توسعه اقتصادی برای مردمان کشور در نظر بگیریم. پویایی اقتصادی که به زودی خود را در بستر توسعه اجتماعی نشان داده ثبات و امنیت از جوهره اصلی آن محسوب می‌گردد.

۳-۴. افزایش رفاه

فقر پدیده‌ای است که در نقطه مقابل رفاه قرار دارد. قطعاً فقر می‌تواند منجر به بی‌ثباتی و ناامنی در کشور گردد. پدیده‌ای که به‌عنوان یکی از عوامل در گسست‌های اجتماعی نیز از آن نام‌برده می‌شود، زیرا فقر مداوم موجب می‌گردد که پویایی و تحرک اجتماعی در حوزه تعامل اجتماعی کاهش یابد و به‌صورت یک معضل فرهنگی-اجتماعی که از ساختار اقتصادی شکننده بیرون می‌گردد، در عرصه روابط و ساختار ملی رخ نماید. درون‌گرایی اجتماعی و عدم مشارکت مؤثر افراد در عرصه عمومی، شیوع ویژگی‌های اجتماعی چون ترس، ناامیدی و تأثیر خشونت‌های محیطی بر خصلت‌های اجتماعی و سیاسی و بدخواهی نسبت به نظام سیاسی، از جمله پیامدهای این پدیده در افغانستان محسوب می‌گردد (مشتاق، ۱۳۹۷: ۱۴۵). اگر از مهم‌ترین آثار تجارت بین‌الملل از طریق راه لاجورد را کسب درآمدهای اقتصادی برای شهروندان افغانستان بیان داریم، این امر به‌خودی‌خود منجر به کاهش فقر و افزایش رفاه می‌گردد. آنچه خود متضمن پیوندهای اجتماعی و سیاسی و درنهایت منجر به تأمین امنیت و ثبات در کشور می‌گردد.

۳-۵. ثبات اقتصادی و اجتماعی و اثرگذاری بر امنیت منطقه‌ای

ضروری است تا برای کاهش شکاف و نابرابری، بازارهای کشورهای توسعه‌یافته بر

روی محصولات کشورهای جهان سوم باز شوند و محصولات این کشورها نیز از مزیت رقابتی برخوردار شوند (ریترگر، ۱۳۸۹: ۳۲۴)؛ امری که با تجارت بین‌الملل امکان‌پذیر است. تجارت بین‌الملل موجب افزایش درآمد اقتصادی می‌شود که این خود با برنامه‌ریزی‌های مناسب در جهت توزیع عادلانه درآمدها، می‌تواند به ثبات اقتصادی و اجتماعی و درنهایت، بهبود وضعیت امنیت در سطح کشور بی‌انجامد. همچنان داد و ستد بازرگانی از طریق راه لاجورد و گسترش این راه در چارچوب همکاری‌های بازرگانی در سطح کشورهای منطقه، به سیستم‌های منطقه‌ای دیگر مانند سیستم منطقه‌ای جنوب آسیا و سیستم منطقه‌ای خلیج فارس، می‌تواند منجر به کاهش فاصله میان دولت‌ها گردیده و مانعی واگرایی منطقه‌ای به حساب آید. امری که می‌تواند بر امنیت منطقه‌ای تأثیرگذاری خاص داشته باشد. تحرک منطقه‌ای ایجادشده در حمایت از همگرایی اقتصادی و حمایت گسترده‌ی مردمی از پروژه‌های منطقه‌ای فرصت بی‌بدیلی برای افغانستان و کشورهای منطقه ایجاد کرده است تا در راستای قوام‌بخشیدن هرچه بیشتر به همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، تقویت اتصال، گسترش تجارت و تعمیق بیشتر اعتماد و ثبات منطقه‌ای، گام‌های مستحکم‌تری برداشته شود.

نتیجه‌گیری

ملاحظات امنیت و ثبات کشوری می‌تواند در سطح خارجی با تشویق دولت‌ها به مشارکت در ترتیبات تجاری نهادینه‌شده و در سطح داخلی با جهت‌دهی به سیاست‌های تجاری برای تسهیل واردات یا صادرات کالاهای خاص، موجب تقویت تجارت بین‌الملل و امنیت و ثبات در درون کشورها گردد. این مقاله با تبیین شاخص‌های همچون تاثیر تجارت بین‌الملل از طریق راه لاجورد به هدف تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و تأثیر آن بر امنیت و ثبات افغانستان، ترکیب منطقی بین موضوعات خلق کرده است. با توجه به تاریخ سیاسی افغانستان و با تکیه بر تجربیات پربار این کشور از بی‌ثباتی، این پژوهش بر نقش همکاری‌های منطقه‌ای و همگرایی فراملی به صورت جدی تأکید نموده؛

زیرا با همکاری‌های منطقه‌ای و همگرایی فراملی است که دولت‌ها می‌توانند در قالب استراتژی‌های توسعه‌ای، تجارت و صلح بین‌الملل را نهادینه سازند. بدین ترتیب، تلاش در جهت همکاری‌های منطقه‌ای و همگرایی فراملی، تعامل با اقتصاد جهانی در قالب ترتیبات تجاری از طریق راه‌لاچورد را می‌توان در جهت اهداف کلان افغانستان که همانا ثبات و امنیت است ارزیابی کرد. تجارت با صلح، ثبات و امنیت رابطه‌ای مستحکم دارد. به طوری که تجارت بین‌الملل از جهات مختلف می‌تواند به تقویت جنبه‌های امنیت و ثبات در سطح ملی و فراملی کمک کند. در نتیجه می‌توان مهم‌ترین تأثیرات راه‌لاچورد را بر امنیت و ثبات افغانستان چنین بیان کرد: جلوگیری از یکجانبه‌گرایی؛ تبدیل شدن افغانستان به نقطه وصل مشترک؛ توسعه اجتماعی و اقتصادی؛ افزایش رفاه و ثبات اقتصادی و اجتماعی و اثرگذاری بر امنیت منطقه‌ای که همگی در اختیار ثبات و امنیت افغانستان قرار می‌گیرند و به آن قوام می‌بخشند. با توجه به نکته‌های فوق می‌توان اذعان داشت که افغانستان قابلیت آن را دارد تا در معادلات اقتصادی منطقه‌ای به‌عنوان یک بازیگر استراتژیک مطرح شود. بزرگ‌ترین مارکیت‌های مصرفی جهان، بزرگ‌ترین اقتصادهای در حال رشد و بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز جهان در همسایگی افغانستان قرار دارند و خود افغانستان نیز از جمله ثروت‌مندترین کشورهای جهان به لحاظ منابع زیرزمینی است. بنابراین، فراهم کردن زمینه‌های داخلی و تقویت گفتگوهای مشترک منطقه‌ای برای استفاده از این ظرفیت‌ها، اولویت اساسی است که باید به آن توجه صورت گیرد. راه‌لاچورد یکی از گام‌های استراتژیک است که در راستای دست یافتن به ثبات، امنیت و انکشاف اقتصادی پایدار در افغانستان و منطقه، مستلزم تقویت همکاری‌های مشترک اقتصادی می‌باشد و نگاه استراتژیک به آینده‌ی تجارت و ترانزیت، دست یافتن به ثبات و امنیت دایمی در منطقه را تسهیل خواهد کرد. افغانستان و کشورهای منطقه برای دست یافتن به انکشاف پایدار، ناگزیر اند همکاری‌های مشترک اقتصادی را تقویت بخشند و از این منظر می‌توان به جرأت ادعا کرد که تجارت، ثبات و امنیت می‌آورد.

منابع

۱. بخشی، علی آقا و مینو افشاری راد، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
۲. مولر، جری زد، (۱۳۹۵)، ذهن و بازار: جایگاه سرمایه‌داری در تفکر اروپای مدرن، ترجمه مهدی نصراله‌زاده، تهران، نشر بیدگل
۳. بی‌نا، (۱۳۷۵)، برنامه توسعه و سازمان ملل متحد و کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد؛ جاده ابریشم (گذشته، حال، آینده)، مترجم رضا پاکدامن، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
۴. بهبودی نژاد، قدرت‌الله، (۱۴۰۰)، «منطقه‌گرایی و همکاری منطقه‌ای در آسیای میانه»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۱
۵. بیگدلی، علی، (۱۳۷۶)، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب از طالس تا مارکس، تهران، مؤسسه انتشاراتی عطا
۶. پاینده، ابوالقاسم، (بی‌تا)، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ص)، بی‌جا
۷. حسونند، مظفر و مهدی اسفندیاری، (۱۳۹۷)، نظم نوین جهانی و تحول در منطقه‌گرایی جدید. فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱۰
۸. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۹۳)، نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌الملل، تهران، نشر مخاطب
۹. روشندل، جلیل، (۱۳۸۴)، امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران، سمت
۱۰. ریترگر، فالکر، برنارد زنگل و ماتیس استاج، (۱۳۸۹)، سازمان‌های بین‌المللی: حوزه سیاسی، سیاست و سیاست‌گذاری، ترجمه علی بغیری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق وزارت امور خارجه
۱۱. علی بابایی، غلامرضا، (۱۳۸۳)، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
۱۲. فروغی، محمدعلی، (۱۳۹۵)، سیر حکمت در اروپا، تهران، انتشارات نیلوفر
۱۳. لینکلتر، آندرو، (۱۳۸۷)، جامعه و همکاری در روابط بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
۱۴. مشتاق، سیدعبدالصمد، (۱۳۹۷)، توسعه و نیم‌نگاهی به جامعه افغانستان، کابل، نشر واژه

۱۵. موسوی زنوز، موسی، (۱۳۸۳)، سازوکار حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت و منافع کشورهای در حال توسعه، بررسی‌های بازرگانی ۱، شماره ۳

۱۶. رسولی، صدیق، (۱۴۰۰)، راه لاجورد؛ فرصتی اقتصادی برای تقویت همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، روزنامه ۸ صبح، قابل دسترسی:

<https://8am.media/fa/lapis-lazuli-an-opportunity-to-strengthen-regional-economic-cooperation/>

۱۷. شاهین، بنجامین، (۱۳۹۵)، صلح و شکوفایی به واسطه تجارت آزاد، هفته‌نامه راه تجارت، قابل دسترسی:

<https://www.tejaratefarda.com>

۱۸. شفایی، احمد، (۱۳۹۳)، راه لاجورد افغانستان را به کجا می‌برد؟، سایت بی‌بی‌سی فارسی، قابل دسترسی:

https://www.bbc.com/persian/afghanistan/2014/11/141119_k05_afghan_lapis_route

۱۹. ح، ن، (۱۴۰۳)، پروژه راه لاجورد؛ یک فرصت تاریخی برای افغانستان، قابل دسترسی:

<https://www.alemarahdari.af/articles-and-views>

۲۰. موسوی، سیدمیثم، (۱۳۹۷)، «تفسیر راه لاجورد در چارچوب منطقه‌گرایی نوین افغانستان»، موسسه مطالعات راهبردی شرق، قابل دسترسی:

<https://www.iess.ir/fa/report/1762/>

Isar, Sarajuddin, (2025), Taliban Economy and Regional Integration: Challenges, Pitfalls and Prospects, ANDIANA FOUNDATION.